

صلاحیت رسیدگی دادگاه صلح بر جرایم اطفال و نوجوانان

امیرحسین فتحی^۱ امیرحسین طالبی^۲

^۱ گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران (نویسنده مسئول)، Amirhosseinfathi1381@gmail.com

^۲ گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران، Amirhossein.talebi106@gmail.com

چکیده. مقاله حاضر به بررسی صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم مرتبط با اطفال و نوجوانان پرداخته است. این پژوهش با تکیه بر ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف، نقش این دادگاه‌ها را در نظام قضایی کشور مورد تحلیل قرار داده و ضمن بررسی مبانی حقوقی و اجرایی آن، به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه پرداخته است. روش تحقیق در این مقاله ترکیبی بوده و شامل بررسی منابع کتابخانه‌ای، تحلیل اسناد حقوقی و مطالعات نظری است. در این راستا، مقاله به بررسی سابقه تاریخی تشکیل دادگاه صلح و هدف از ایجاد آن پرداخته و سپس به تحلیل نحوه رسیدگی این دادگاه‌ها به جرایم اطفال و نوجوانان می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دادگاه صلح با توجه به ماهیت غیررسمی تر و انعطاف‌پذیرتر خود، می‌تواند به عنوان یک مکانیزم مؤثر در رسیدگی به جرایم نوجوانان عمل کند. این دادگاه‌ها با رویکردی متفاوت نسبت به دادگاه‌های عمومی، تأکید بیشتری بر حل اختلافات به صورت صلح‌آمیز و هدایت نوجوانان به سوی اصلاح و بازپروری دارند. این رویکرد نه تنها به کاهش فشار بر دادگاه‌های عمومی کمک می‌کند، بلکه با توجه به سن و شرایط خاص نوجوانان، می‌تواند به ارتقای عدالت در مواجهه با این گروه سنی منجر شود. در نهایت، پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد دادگاه صلح در این حوزه ارائه شده است. این پیشنهادات شامل تقویت زیرساخت‌های حقوقی و اجرایی دادگاه صلح، افزایش آگاهی قضات و کارشناسان این دادگاه‌ها درباره روانشناسی اطفال و نوجوانان و همچنین تدوین راهکارهای دقیق‌تر برای پیشگیری از تکرار جرایم است. این اقدامات می‌تواند به تقویت نظام حقوقی کشور و تحقق اهداف اجتماعی و حقوقی در حوزه کیفر نوجوانان کمک کند.

واژگان کلیدی: دادگاه صلح، اطفال و نوجوانان، ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف، عدالت کیفری، چالش‌های قضایی.

Jurisdiction of the Peace Court in Handling Crimes Committed by Children and Adolescents

Amirhossein Fathi¹, Amirhossein Talebi²

1 Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shahre-Qods Branch, Shahre-Qods, Iran
(Corresponding Author)

2 Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shahre-Qods Branch, Shahre-Qods, Iran–

Abstract.

The present article examines the jurisdiction of the Peace Court (*Dadgāh-e Solh*) in adjudicating crimes committed by children and adolescents. Drawing on Article 12 of the Law on the Dispute Resolution Council, this study analyzes the role of these courts within Iran's judicial system and evaluates their legal foundations, practical mechanisms, opportunities, and challenges in handling juvenile-related offenses. The research method is hybrid, relying on library sources, legal document analysis, and theoretical studies. The article first explores the historical background and objectives behind the establishment of the Peace Court and then analyzes how these courts process juvenile cases as compared with general criminal courts. The findings demonstrate that due to their less formal and more flexible structure, Peace Courts can serve as an effective mechanism for addressing offenses committed by minors. Unlike ordinary courts, Peace Courts emphasize amicable settlement, conflict resolution, and guiding juveniles toward rehabilitation and reform rather than imposing purely punitive measures. This approach not only reduces the caseload burden on general courts but also promotes a more equitable and developmentally appropriate administration of justice for minors. Finally, the study proposes recommendations to enhance the effectiveness of Peace Courts in handling juvenile offenses. These suggestions include strengthening the legal and administrative infrastructure of these courts, improving judges' and experts' awareness of child and adolescent psychology, and formulating clearer guidelines aimed at preventing repeated offending. These measures can contribute to reinforcing the national judicial system and advancing social and legal objectives in the realm of juvenile justice.

Keywords : Peace Court, children and adolescents, Article 12 of the Dispute Resolution Council Law, criminal justice, judicial challenges.

در نظام قضایی هر کشور، دادگاه‌ها به عنوان نهادهای اصلی رسیدگی به اختلافات و جرایم عمل می‌کنند. در ایران، انواع مختلفی از دادگاه‌ها وجود دارند که هر یک صلاحیت خاص خود را بر اساس موضوع دعوا و طبق قانون دارند. این صلاحیت‌ها، که به عنوان "صلاحیت ذاتی" شناخته می‌شوند، نقش تعیین کننده‌ای در تخصیص پرونده‌ها به دادگاه‌های مربوطه دارند. اما وقتی صحبت از جرایم اطفال و نوجوانان می‌شود، اهمیت بررسی صلاحیت دادگاه‌ها دوچندان می‌شود؛ زیرا حقوق این گروه سنی، به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه جهانی و حقوق بشر، نیازمند رعایت دقیق و حساس است. موضوع اصلی این مقاله بررسی این است که آیا دادگاه صلح، با توجه به قوانین موجود، صلاحیت رسیدگی به جرایم ماده 12 شورای حل اختلاف، بند 9 و 10 نسبت به اطفال و نوجوانان را دارد؟ این سوال در زمینه‌ای مطرح می‌شود که حقوق کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از اولویت‌های نظام‌های قضایی جهانی، در حال تبدیل شدن به یک استاندارد بین‌المللی است. در این راستا، تحولات نظام قضایی ایران، از جمله تبدیل شورای حل اختلاف به دادگاه صلح، نیاز به بررسی دقیق‌تر این موضوع را بیش از پیش احساس می‌کند. شورای حل اختلاف، با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و افراد معتمد و دارای جایگاه اجتماعی تشکیل شده بود تا از طریق صلح و سازش به حل و فصل اختلافات بپردازد و فرهنگ صلح و سازش را در جامعه ترویج دهد. این شورا همچنین با پیشگیری از طرح دعاوی ساده در مراجع قضایی، تلاش می‌کرد تا تعداد پرونده‌ها کاهش یابد و طرفین در صورت توافق، از طرح دعاوی جدید جلوگیری شود. اما با وجود تلاش‌های زیاد، در طول سال‌ها این فرهنگ به‌طور کافی گسترش نیافت و مردم کمتر از گذشته به صلح و سازش تمایل داشتند. این امر، همراه با نیاز به هماهنگی بیشتر نظام قضایی ایران با نظام قضایی جهانی و نیاز به تغییر و تحول در قوانین قدیمی، منجر به تبدیل شورای حل اختلاف به دادگاه صلح شد. دادگاه صلح، در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، به منظور کاهش بار دادگاه‌های عمومی و تسریع در رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت و ساده تأسیس شد. این دادگاه‌ها با هدف فراهم آوردن بستری برای رسیدگی سریع و کارآمد به پرونده‌های با ماهیت کم‌اهمیت و نیز دعاوی جزئی در زمینه‌های حقوقی و کیفری، ایجاد گردید. یکی از اهداف اصلی از ایجاد این دادگاه‌ها، تسهیل فرآیند دادرسی و کاهش پیچیدگی‌های موجود در حل و فصل دعاوی است که موجب افزایش سرعت در فرآیند قضائی و به تبع آن، کاهش زمان انتظار برای صدور حکم می‌شود. در کنار این، با توجه به حجم بالای پرونده‌ها و تراکم کار در دادگاه‌های عمومی و تخصصی، دادگاه صلح به منظور تخصیص صلاحیت‌های قضایی محدود و تخصصی برای رسیدگی به دعاوی ساده، ایجاد گردید. این دادگاه‌ها از طریق تعیین صلاحیت‌های خاص، امکان رسیدگی به دعاوی مالی و کیفری با مبلغ و اهمیت پایین را فراهم می‌آورند، که موجب کاهش فشار بر سایر مراجع قضایی می‌شود. نکته مهم در خصوص دادگاه صلح، استقلال آن به عنوان یک مرجع قضایی است که قادر به رسیدگی به دعاوی ساده و

کم‌اهمیت است. این ویژگی باعث می‌شود تا دادگاه‌های عمومی و تخصصی بتوانند به پرونده‌های پیچیده‌تر و مهم‌تر رسیدگی کنند و در عین حال، دسترسی مردم به عدالت تسهیل گردد. همچنین، دادگاه صلح به عنوان یک مرجع قضایی کم‌هزینه، امکان رفع نیازهای حقوقی اقشار مختلف جامعه را با هزینه کمتر و در مدت زمان کوتاه‌تری فراهم می‌آورد. اما آیا دادگاه صلح و دادگاه اطفال و نوجوانان ظرفیت و توانایی لازم برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را دارند؟ این سؤال در یک زمینه بین‌المللی مطرح می‌شود که حقوق کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از اولویت‌های جامعه جهانی، در حال تبدیل شدن به یک استاندارد بین‌المللی است. مقایسه صلاحیت دادگاه‌ها در ایران با سیستم‌های قضایی کشورهای دیگر می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف موجود کمک کند و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت و کارآمدی نظام قضایی در این حوزه باشد. با تحلیل تجربیات موفق کشورهای دیگر و تطبیق آن‌ها با شرایط داخلی، می‌توان به اصلاحاتی دست یافت که هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی باشد و هم به حفظ حقوق اطفال و نوجوانان در فرآیندهای قضایی کمک کند. در نهایت، این مقاله با هدف بررسی صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، ضمن تحلیل مبانی حقوقی و مقایسه آن با سیستم‌های قضایی دیگر، به دنبال ارائه پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد این دادگاه‌ها و تقویت نظام حقوقی کشور در این حوزه است. این اصلاحات نه تنها به بهبود برخورد با جرایم نوجوانان کمک می‌کند، بلکه به حفظ حقوق این گروه آسیب‌پذیر در جامعه نیز منجر خواهد شد.

صلاحیت در جرایم اطفال و نوجوانان

در نظام قضایی ایران، رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، به‌ویژه جرایم غیرعمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی، نیازمند رویکردی خاص و متمایز است که ویژگی‌های سنی، روانی و اجتماعی این گروه سنی را در نظر بگیرد. به همین دلیل، دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع تخصصی برای رسیدگی به جرایم این گروه، مسئولیت اصلی را بر عهده دارند. این دادگاه‌ها بر اساس رویکرد تربیتی و اصلاحی عمل می‌کنند و به جای استفاده از مجازات‌های سخت، به اصلاح رفتار و بازگشت نوجوانان به جامعه از طریق روش‌های آموزشی، مشاوره‌ای و تربیتی تأکید دارند.

بر اساس سیستم قضایی ایران، برای اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال، مجازات‌ها معمولاً کمتر از مجازات‌های بزرگسالان و با هدف اصلاح و تربیت آنها است. در این راستا، دادگاه‌های اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی به جرایم سبک و کم‌اهمیت را دارند، اما در صورتی که جرم ارتكابی از نوع پیچیده یا سنگین باشد، پرونده به دادگاه‌های دیگر ارجاع داده می‌شود. این نوع تقسیم‌بندی به‌ویژه در جرایم غیرعمدی مانند تصادفات رانندگی اهمیت دارد که می‌تواند با توجه به شدت آسیب و پیامدهای آن، دادگاه صالح برای رسیدگی را تعیین کند.

در این چارچوب، دادگاه صلح نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. اگر جرم ارتكابی توسط نوجوان از نوع سبک باشد و جنبه خصوصی آن (مانند جبران خسارت مالی) بر جنبه کیفری آن غالب باشد، دادگاه صلح می‌تواند به‌عنوان مرجع رسیدگی وارد عمل شود. این دادگاه با رویکردی صلح‌جویانه و با هدف حل و فصل سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر پرونده‌ها، از طریق مذاکره و توافق طرفین، مشکلات را حل و فصل می‌کند. به‌ویژه در مواردی که شاکی تمایل به پیگیری کیفری نداشته باشد و تنها خواهان جبران خسارت باشد، دادگاه صلح می‌تواند به پرونده رسیدگی کند.

با این حال، در شرایطی که جنبه کیفری جرم پررنگ‌تر باشد یا آسیب‌های جسمی جدی به‌وجود آمده باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. این دادگاه‌ها در موارد پیچیده‌تر که نیاز به مداخلات تخصصی دارند، اقداماتی مانند ارجاع به مراکز تربیتی یا اتخاذ مجازات‌های تعلیقی را در نظر می‌گیرند تا متهمان در محیط‌های اصلاحی و تربیتی به جامعه بازگردند. این رویکرد به‌ویژه برای نوجوانانی که در مرحله رشد قرار دارند، مناسب است زیرا این افراد هنوز در حال یادگیری و شکل‌گیری شخصیت خود هستند و باید فرصت اصلاح رفتار پیدا کنند.

نکته قابل توجه در این روند، تأکید بر رویکرد اصلاح‌گرایانه است. هدف از رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، تنها مجازات نیست بلکه تربیت و بازگشت این افراد به جامعه به‌عنوان شهروندانی مفید است. در این راستا، سیستم قضائی باید از مجازات‌های سخت و مضر اجتناب کند و به‌جای آن، از روش‌هایی مانند خدمات اجتماعی، دوره‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و مشاوره‌های روان‌شناختی استفاده کند. این روش‌ها به نوجوانان کمک می‌کنند تا رفتارهای خود را اصلاح کنند و از ارتكاب جرایم مجدد جلوگیری شود.

در نهایت، نظام قضائی ایران باید در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، تفاوت‌های سنی، روان‌شناختی و اجتماعی این گروه سنی را در نظر بگیرد و رویکردی انسانی و اصلاحی را در پیش گیرد. این رویکرد، که بر اساس آموزه‌های دینی و فقهی شکل گرفته است، با هدف بازگشت نوجوانان به جامعه و جلوگیری از تکرار جرم، به نفع هر دو طرف یعنی متهم و جامعه است. این فرآیند باید با رعایت حقوق اطفال و نوجوانان، به‌ویژه از منظر حقوق بشر، انجام گیرد تا عدالت اجتماعی برقرار شده و به‌طور مؤثر از تکرار جرم جلوگیری شود.

تحلیل نظریه شماره 7/1403/127 در خصوص صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، به‌طور خاص بر تفکیک میان دو نوع صلاحیت در حقوق کیفری تأکید دارد: صلاحیت مبتنی بر نوع جرم و صلاحیت مبتنی بر وضعیت فردی متهم. در نظریه مذکور، اداره کل حقوقی به‌طور روشن بر صلاحیت مبتنی بر وضعیت فردی متهم تأکید کرده است که به ویژگی‌هایی چون سن، وضعیت روانی، و موقعیت اجتماعی فرد متهم وابسته است. این رویکرد به‌ویژه در مورد اطفال و نوجوانان اهمیت دارد زیرا این گروه سنی به لحاظ رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی ویژگی‌های خاصی دارند که باید در فرایند دادرسی مورد توجه قرار گیرد.

صلاحیت مبتنی بر نوع جرم در حقوق کیفری به این معناست که نوع جرم ارتكابی، شدت آن، و تأثیرات آن بر جامعه تعیین کننده صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به آن است. این نوع صلاحیت بیشتر در مورد جرایم سنگین و بزرگسالان کاربرد دارد. اما صلاحیت مبتنی بر وضعیت فردی متهم، به ویژه در مورد اطفال و نوجوانان، بر اساس ویژگی های خاص سنی و روانی آن ها شکل می گیرد. این نگاه به طور خاص با مبانی عدالت تربیتی و ترمیمی هم ساز است و هدف آن اصلاح و بازپروری نوجوانان به جای صرفاً مجازات است. به این ترتیب، سیستم قضائی ایران به طور فزاینده ای رویکرد انسان محور و اصلاحی در برخورد با اطفال و نوجوانان اتخاذ کرده است.

از نظر حقوق بین الملل، نظریه شماره 7/1403/127 با تعهدات جمهوری اسلامی ایران به ویژه در زمینه حقوق کودک کاملاً هم راستا است. کنوانسیون حقوق کودک مصوب 1989 و قواعد حداقلی سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری نوجوانان، تأکید دارند که رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان باید در مراجع قضائی تخصصی و با رویکردی حمایتی و متناسب با نیازهای سنی آن ها انجام گیرد. این اسناد بر لزوم اجتناب از دادرسی های عمومی و غیر تخصصی برای اطفال تأکید می کنند، حتی در مورد جرایم سبک، و این امر با هدف حمایت از حقوق کودک و فراهم آوردن زمینه اصلاح رفتار و بازگشت سالم آن ها به جامعه است.

نظریه مشورتی شماره 7/1403/127 در واقع نوعی تفسیر مرقی از قانون است که نه تنها با توجه به اهداف قانون گذار بلکه بر اساس اصول اساسی حقوق کودک، حقوق بشر، و آموزه های فقهی و اسلامی به تحلیل صلاحیت دادگاه ها پرداخته است. با تأکید بر صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان، این نظریه به وضوح هدف خود را در پیشبرد دادرسی تخصصی و عادلانه در مورد اطفال و نوجوانان قرار داده است و در نهایت، به ایجاد یک رویه قضائی منسجم و همگن کمک می کند. این امر در جلوگیری از صدور آراء متضاد و افزایش انسجام در سیستم قضائی مؤثر است.

نظریه مذکور همچنین بر تقویت حقوق بنیادین کودک تأکید دارد و از آن به عنوان گامی مهم در راستای تحقق دادرسی عادلانه در سیستم قضائی ایران یاد می کند. در نهایت، این نظریه به طور مشخص مؤید آن است که جمهوری اسلامی ایران به طور تدریجی در حال حرکت به سوی ایجاد یک ساختار قضائی تخصصی، اصلاح محور و انسان مدار است که بر تربیت، بازپروری و بازگشت سالم اطفال و نوجوانان به جامعه تأکید دارد. این رویکرد نه تنها از حقوق اطفال حمایت می کند، بلکه به طور کلی به تحقق عدالت اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم در این گروه سنی می انجامد.

حل تعارض صلاحیت میان دادگاه ها در جرایم اطفال و نوجوانان

حل تعارض صلاحیت بین دادگاه‌ها در رسیدگی به جرایم نوجوانان و جرایم غیرعمدی در نظام حقوقی ایران، موضوعی است که در برخی موارد با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌رو می‌شود. این مشکل زمانی بیشتر نمایان می‌شود که متهم نوجوان باشد و جرم ارتكابی از نوع غیرعمدی یا سبک محسوب شود. در چنین مواردی، انتخاب دادگاه صالح برای رسیدگی به پرونده می‌تواند تأثیر زیادی بر سرنوشت متهم و حقوق شاکی داشته باشد. برای حل این تعارض، باید به مجموعه‌ای از اصول حقوقی، فقهی و همچنین سازوکارهای قانونی موجود توجه شود.

اولین گام برای حل این تعارض، تحلیل ماهیت پرونده است. اگر جرم ارتكابی از سوی فرد زیر 18 سال صورت گرفته باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان به‌طور طبیعی صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارد. این دادگاه‌ها با هدف اصلاح و تربیت نوجوانان و پیشگیری از تکرار جرم، بر اساس ویژگی‌های سنی و اجتماعی نوجوانان فعالیت می‌کنند. در مواردی که جرم ارتكابی از نوع سبک و غیرعمدی باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با رویکرد تربیتی و اصلاحی به پرونده رسیدگی کند. این امر بر اساس اصل «العقوبة للتأديب لا للانتقام» استوار است که بر اصلاح فرد به جای انتقام جویی از او تأکید دارد.

با این حال، در صورتی که ویژگی‌های پرونده نشان دهد که رسیدگی از مسیر غیر کیفری و با هدف ترمیم روابط و جبران خسارت می‌تواند مؤثرتر باشد، این امکان وجود دارد که پرونده به دادگاه صلح ارجاع داده شود. دادگاه صلح به‌عنوان مرجع سریع و ساده، می‌تواند با رویکردی صلح‌آمیز و به‌ویژه در جرایم سبک، به حل و فصل اختلافات بپردازد. این روش به ویژه زمانی کارآمد است که شاکی تمایل به رسیدگی کیفری نداشته باشد و طرفین پرونده به حل اختلاف از طریق صلح و سازش موافق باشند. در چنین مواردی، دادگاه صلح می‌تواند با بررسی جنبه‌های حقوقی جرم و جبران خسارت وارد شده، اقدام کند.

در مقابل، چنانچه جرم دارای پیامدهای جدی‌تری باشد یا نیاز به اصلاح رفتاری و کیفری متهم احساس شود، رسیدگی به پرونده همچنان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باقی می‌ماند. به‌ویژه در جرایم غیرعمدی که پیامدهایی همچون آسیب جسمی یا خسارت‌های بزرگ به دنبال دارند، دادگاه اطفال و نوجوانان باید نقش خود را ایفا کرده و ضمن توجه به جنبه‌های کیفری، از مجازات‌های متناسب و اصلاحی استفاده کند. در این زمینه، اصول تربیتی و اصلاحی بر مجازات‌های سنگین مقدم است.

در صورت بروز تعارض بین دادگاه‌ها، مرجع تشخیص صلاحیت دادستان محل است. دادستان با بررسی پرونده و بر اساس شرایط سنی، اجتماعی و ویژگی‌های جرم، صلاحیت دادگاه را تعیین می‌کند. در موارد پیچیده‌تر، دادستان کل کشور یا شورای عالی قضائی می‌تواند به‌عنوان مرجع عالی‌تر تصمیم‌نهایی را اتخاذ کنند. این مراجع با توجه به نوع جرم، شرایط متهم و شاکی، و اهداف دادرسی، بهترین دادگاه را برای رسیدگی به پرونده انتخاب می‌کنند.

از منظر فقهی، اصولی همچون رفق در قضاوت و عدم مسئولیت کیفری کودکان تا رسیدن به بلوغ، در تعیین صلاحیت دادگاه مؤثر است. در این رویکرد، همواره اولویت به اصلاح فرد و بازگشت او به جامعه داده می‌شود، نه مجازات‌های سخت و انتقام‌جویانه. بر اساس این دیدگاه، حتی در جرایم سبک و غیرعمدی نیز، امکان حل اختلافات از طریق دادگاه صلح مجاز است، به شرط آنکه روند دادرسی با توجه به شرایط خاص کودک و نوجوان و اهداف تربیتی صورت گیرد.

در نهایت، می‌توان گفت که حل تعارض صلاحیت میان دادگاه‌ها در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و جرایم غیرعمدی نیازمند رویکردی جامع است که در آن، اصول قانونی و فقهی و اهداف تربیتی مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی نه تنها به تحقق عدالت کمک می‌کند بلکه در پیشگیری از تکرار جرم و کاهش آسیب‌های اجتماعی در این گروه سنی نیز مؤثر خواهد بود.

تحلیل حقوقی، سیاسی و اسلامی صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

موضوع صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در نظام قضائی ایران، یکی از مسائل پیچیده و چالش‌برانگیز است که نیاز به بررسی چندجانبه از جنبه‌های حقوقی، سیاسی و فقهی-اسلامی دارد. این موضوع پس از تصویب ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، که به‌طور خاص صلاحیت دادگاه صلح را در رسیدگی به برخی جرایم سبک اطفال و نوجوانان معرفی می‌کند، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

از منظر حقوقی، سه اصل بنیادین در تعیین صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان وجود دارد: تخصص، توافق و عدالت. دادگاه اطفال و نوجوانان، به دلیل داشتن ساختار، رویه و تخصص‌های لازم برای مواجهه با ویژگی‌های روانی، سنی و تربیتی این گروه سنی، به عنوان مرجع اصلی برای رسیدگی به جرایم آنان شناخته می‌شود. این دادگاه‌ها به‌طور ویژه طراحی شده‌اند تا بر اساس ویژگی‌های خاص کودک و نوجوان، به اصلاح و بازپروری آنان پرداخته و از مجازات‌های سخت اجتناب کنند.

طبق ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف، رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تنها در صورتی به دادگاه صلح سپرده می‌شود که جرم از نوع سبک باشد و جنبه خصوصی آن غلبه داشته باشد. این امر به‌ویژه در مواردی که طرفین به صلح و سازش تمایل دارند، امکان‌پذیر است. در این شرایط، دادگاه صلح می‌تواند به عنوان نهاد میانجی وارد عمل شود. با این حال، در پرونده‌هایی که نیازمند اصلاح رفتار و توجه قضائی تخصصی هستند، صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان مقدم خواهد بود.

از دیدگاه سیاسی، ارجاع برخی جرایم سبک به دادگاه صلح در راستای سیاست‌های کلان قضائی برای کاهش تراکم پرونده‌ها و تسریع در رسیدگی‌ها است. این سیاست‌ها به‌ویژه در شرایطی که پرونده‌ها از نظر پیچیدگی کم‌اهمیت هستند، می‌تواند به کاهش بار قضائی و استفاده بهینه از منابع انسانی و مالی دستگاه قضائی کمک کند. با این حال، این اقدام باید با دقت و به‌طور متوازن صورت گیرد تا از تضعیف اصول دادرسی عادلانه و نادیده گرفتن نیازهای ویژه اطفال و نوجوانان جلوگیری شود.

سیاست‌گذاری قضائی باید توازن مناسبی میان کاهش بار کاری دستگاه قضائی و حفظ اصول عدالت و تربیت متهمین اطفال و نوجوانان برقرار سازد. این نگاه به عدالت کیفری، می‌بایست از هم‌پوشانی وظایف دادگاه صلح و دادگاه اطفال و نوجوانان پرهیز کرده و دادگاه تخصصی را در موارد خاصی که به تربیت و اصلاح نیاز است، در اولویت قرار دهد.

از منظر فقهی و اسلامی، منابع دینی تأکید زیادی بر رویکرد اصلاح‌محور و تربیتی در مواجهه با بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند. طبق حدیث مشهور امام صادق (ع): «الصبي لا يؤاخذ بالجنايات حتى يبلغ» (کودک تا بلوغ مسئولیتی در قبال جرایم ندارد)، نشان‌دهنده آن است که رویکرد کیفری در مواجهه با اطفال و نوجوانان باید جای خود را به رویکرد تربیتی و اصلاحی دهد.

در فقه اسلامی، تأکید بر توبه و اصلاح رفتار مجرمین، به‌ویژه در مورد افراد نابالغ، پشتوانه‌ای محکم برای ضرورت وجود دادگاه‌هایی با ساختار تربیتی و حمایتی مانند دادگاه نوجوانان است. این نگاه، با نیاز به برخورداری از اقدامات اصلاحی و حمایتی، نشان می‌دهد که دادگاه صلح، که فاقد چنین ساختاری است، ممکن است نتواند به‌طور مؤثر با ویژگی‌های خاص اطفال و نوجوانان برخورد کند.

یکی از مسائل نوظهور در نظام قضائی ایران، تعارض صلاحیت بین دادگاه صلح و دادگاه اطفال و نوجوانان است. در ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف، رسیدگی به جرایم سبک اطفال و نوجوانان تحت شرایط خاص به دادگاه صلح واگذار شده است. با این حال، با توجه به رویکرد تربیتی و تخصصی دادگاه اطفال و نوجوانان، این دادگاه‌ها به‌طور طبیعی باید مرجع اصلی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان باشند. در مواردی که جرم سبک باشد و طرفین توافق بر صلح و سازش داشته باشند، ممکن است دادگاه صلح وارد عمل شود، اما این امر تنها در صورتی است که دادگاه اطفال و نوجوانان تشخیص دهد که پرونده نیاز به رسیدگی تخصصی ندارد.

در حل تعارض صلاحیت میان دادگاه‌ها، از جمله در جرایم سبک اطفال و نوجوانان، دادستان محل می‌تواند تصمیم بگیرد که پرونده به کدام دادگاه ارجاع شود. در صورت پیچیدگی یا تداوم تعارض، شورای عالی قضائی وارد عمل

می‌شود و تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند. این امر با توجه به ماهیت جرم، شرایط سنی و اجتماعی متهم، و نوع توافق طرفین صورت می‌گیرد.

در نهایت، تصمیم‌گیری نهایی باید با در نظر گرفتن حقوق متهم و شاکی و اصول دادرسی عادلانه اتخاذ شود. این فرآیند باید مطابق با رویکرد اسلامی و حقوقی باشد که بر بازپروری و اصلاح نوجوانان تأکید دارد، نه تنها مجازات آنها.

در مجموع، تحلیل حقوقی، سیاسی و اسلامی صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نشان می‌دهد که دادگاه اطفال و نوجوانان به دلیل تخصص و رویکرد اصلاحی‌اش باید مرجع اصلی رسیدگی به این گونه جرایم باشد. دادگاه صلح می‌تواند تنها در شرایط خاص و با رعایت ملاحظات تربیتی و توافق طرفین وارد عمل شود. در مواردی که نیاز به اصلاحات تخصصی و تربیتی وجود دارد، باید دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع صالح باقی بماند. رویکرد اجرایی این قضیه باید هم‌راستا با سیاست‌های کلی قضائی و آموزه‌های اسلامی باشد که بر تربیت و اصلاح نوجوانان تأکید دارد.

یافته‌ها

تحلیل صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در ایران، به‌ویژه در چارچوب ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف و آیین‌نامه اجرایی آن، نشان‌دهنده ابعاد مختلفی است که نیازمند بررسی دقیق و چندوجهی است. این یافته‌ها به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

نقش حمایتی و پیشگیرانه‌ی دادگاه صلح در مواجهه با جرائم اطفال و نوجوانان: دادگاه صلح با تکیه بر ساختار ساده، روند رسیدگی غیرتشریفاتی و تمرکز بر صلح و سازش، بستر مناسبی برای برخورد اولیه با جرایم سبک اطفال و نوجوانان فراهم می‌آورد. این رویکرد نه تنها از ورود سریع و بی‌واسطه اطفال و نوجوانان به فرایندهای سنگین کیفری جلوگیری می‌کند، بلکه آنان را از قرار گرفتن در معرض برچسب‌زنی، طرد اجتماعی و آثار منفی فضای رسمی قضائی محفوظ می‌دارد. به‌طور کلی، دادگاه صلح می‌تواند به‌عنوان نخستین ایستگاه مداخله در رفتارهای انحرافی نوجوانان، عملکردی پیشگیرانه ایفا کند.

پاسداری از حقوق و کرامت انسانی اطفال و نوجوانان در فرآیند دادرسی: دادگاه صلح به دلیل ماهیت خود، به نسبت دادگاه‌های کیفری، قابلیت بیشتری برای به‌کارگیری رویکردهای انسانی، اصلاح‌محور و مبتنی بر درک وضعیت خاص اطفال و نوجوانان دارد. این رویکرد به حفظ کرامت انسانی کمک می‌کند و اعتماد اطفال و نوجوانان به سیستم قضائی را تقویت می‌نماید. اصل کرامت انسانی در دادگاه صلح موجب کاهش اضطراب و آسیب‌های روانی

ناشی از دادرسی رسمی و ارائه فضایی مناسب‌تر برای بازپروری این افراد می‌شود. به این ترتیب، دادگاه صلح نسبت به دادگاه‌های کیفری، پایبندی بیشتری به اصل "بازپروری به جای تنبیه" نشان می‌دهد.

اصلاح رفتار، هدف اصلی؛ نه صرفاً مجازات: یکی از تفاوت‌های بنیادین دادگاه صلح با دادگاه‌های کیفری در رویکرد به جرم است؛ در حالی که دادگاه‌های کیفری غالباً بر اجرای مجازات تمرکز دارند، دادگاه صلح به دنبال یافتن راه‌حل‌های جایگزین همچون مصالحه، خدمات اجتماعی، مشاوره روانی، و ترمیم آسیب است. این تغییر رویکرد، با روح عدالت ترمیمی و مبانی تربیتی-اصلاحی در تطابق کامل بوده و موجب می‌شود اطفال و نوجوانان به جای طرد شدن، مورد حمایت و هدایت قرار گیرند.

کاهش نرخ بازگشت به جرم از طریق مداخلات انسانی‌تر: استفاده از دادگاه صلح برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نه تنها تجربه‌ی قضائی آن‌ها را کمتر آسیب‌زا می‌سازد، بلکه می‌تواند با ایجاد حس مسئولیت، توانمندسازی رفتاری و ارتقای خودآگاهی، از تکرار جرم در آینده پیشگیری کند. این فرآیند، که شامل گفتگو، مشارکت در تصمیم‌گیری و درک پیامدهای رفتاری است، می‌تواند آثار بازدارنده و اصلاحی بلندمدتی داشته باشد که در نظام کیفری سنتی غالباً حاصل نمی‌شود.

ضرورت مداخلات تخصصی و بین‌رشته‌ای در دادرسی اطفال و نوجوانان: تحقیق حاضر بر اهمیت همکاری نهادهای تخصصی مانند روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و مشاوران حقوقی در کنار قضات دادگاه صلح تأکید دارد. این تعامل بین‌رشته‌ای می‌تواند تحلیل دقیق‌تری از علل رفتار مجرمانه، وضعیت خانوادگی، روانی و اجتماعی اطفال و نوجوانان ارائه داده و تصمیم‌گیری قضائی را به سمت راهکارهای مؤثرتر و انسانی‌تر سوق دهد. بدون این مشارکت، عدالت ممکن است در ظاهر برقرار شود، اما در عمل ناکارآمد باقی بماند.

پیشنهاد اصلاح ساختارهای قانونی و قضائی: در راستای ارتقاء نقش دادگاه صلح در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، پیشنهاد می‌شود که قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط، به گونه‌ای بازنگری شوند که نه تنها صلاحیت و اختیارات این دادگاه افزایش یابد، بلکه چارچوب‌هایی برای نظارت، ارزیابی و همکاری با نهادهای تخصصی نیز به‌طور شفاف تعریف گردد. این اصلاحات می‌تواند موجب انسجام، اثربخشی بیشتر، و کاهش هزینه‌های انسانی و مالی نظام کیفری شود.

هم‌راستایی با استانداردهای بین‌المللی حقوق اطفال و نوجوانان: رویکرد انسانی، مبتنی بر حقوق بشر و ترمیم‌محور دادگاه صلح، در صورت نهادینه‌شدن و حمایت قانونی، می‌تواند پاسخگوی الزامات بین‌المللی در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان باشد. معاهداتی همچون کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو را ملزم به اتخاذ شیوه‌هایی برای

پرهیز از زندان و مجازات‌های سخت و تأکید بر بازپروری و ادغام اجتماعی می‌کنند؛ دادگاه صلح، در صورت اصلاح و تقویت، می‌تواند ابزار مؤثری برای تحقق این تعهدات بین‌المللی باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دادگاه صلح، به‌ویژه در مواجهه با جرایم سبک اطفال و نوجوانان، نقش مؤثری در پیشگیری از بازگشت به جرم، کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی و ارتقای فرآیندهای تربیتی دارد. این دادگاه با رویکردهایی مانند صلح و سازش، خدمات اجتماعی و مشاوره روانی، می‌تواند به‌طور مؤثر به اصلاح رفتار اطفال و نوجوانان کمک کند. به‌ویژه در شرایطی که جنبه عمومی جرم کمتر است، دادگاه صلح با ارائه فرآیندهای کم‌هزینه‌تر و غیرتشریفاتی می‌تواند نقش کلیدی در کاهش بار قضائی و تسهیل دسترسی به عدالت ایفا کند. این رویکرد نه تنها با حقوق و کرامت انسانی سازگار است، بلکه هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک و نوجوانان قرار دارد.

نتیجه‌گیری

دادگاه صلح با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، نظیر سادگی و سرعت در روند رسیدگی، می‌تواند نقش مؤثری در رسیدگی به جرایم سبک اطفال و نوجوانان ایفا کند. این دادگاه‌ها، که به‌عنوان مرجع قضائی کم‌هزینه و غیررسمی شناخته می‌شوند، می‌توانند به‌ویژه در جرایم کم‌اهمیت از قبیل توهین، تهدید، و ضرب و جرح‌های خفیف، به‌عنوان جایگزینی برای فرآیندهای قضائی طولانی و پیچیده عمل کنند. با این حال، برای جرایم سنگین‌تر و پیچیده‌تر، دادگاه صلح توانمندی کافی ندارد و ضروری است که چنین پرونده‌هایی به دادگاه‌های تخصصی اطفال و نوجوانان ارجاع شود تا از بررسی دقیق‌تر و متناسب با شرایط سنی و روانی متهم برخوردار شوند.

یکی از نکات کلیدی در مواجهه با جرایم اطفال و نوجوانان، تمرکز بر تربیت و بازپروری به جای مجازات است. مجازات‌های سخت و زندان باید تنها در شرایط خاص و زمانی که دیگر راهکارها به نتیجه نرسیده‌اند، در نظر گرفته شوند. در غیر این صورت، تمرکز صرف بر مجازات ممکن است منجر به آسیب‌های روانی و اجتماعی برای این گروه سنی شده و زمینه‌ساز بازگشت آن‌ها به بزهکاری شود. به‌جای آن، استفاده از نهادهای حمایتی، مشاوره روان‌شناسی و برنامه‌های آموزشی می‌تواند اثربخشی بیشتری در بازگشت اطفال و نوجوانان به جامعه داشته باشد.

حقوق بشر ایجاب می‌کند که سیستم قضائی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، فرصت‌هایی برای اصلاح و بازگشت به جامعه فراهم آورد. اطفال و نوجوانان به‌عنوان افراد در حال رشد، باید از فرصت‌هایی برای بازسازی شخصیت خود برخوردار شوند. مجازات صرف، که تنها هدف آن طرد اجتماعی است، نه تنها در بلندمدت به نفع جامعه نیست بلکه می‌تواند به افزایش آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری مجدد منجر شود. بنابراین، حقوق بشر تأکید دارد که باید میان نظم اجتماعی و اصلاح رفتار متهمان توازن برقرار شود.

از منظر فقهی و قرآنی، اصولی همچون توبه و اصلاح در خصوص اطفال و نوجوانان باید با دقت و ظرافت اعمال شوند. قرآن کریم نیز بر اهمیت اصلاح و بازگشت به مسیر صحیح تأکید دارد و فرصت دادن به اطفال و نوجوانان برای بازگشت به جامعه و اصلاح رفتارشان را مقدم بر مجازات می‌داند. در این راستا، اعمال احکام کیفری نباید به صورت خشک و بدون توجه به شرایط سنی و روانی متهمان باشد. در واقع، اجرای احکام باید با درک صحیح از وضعیت خاص اطفال و نوجوانان صورت گیرد.

برای پاسخگویی به الزامات حقوق بشری و تحولات اجتماعی، نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران نیازمند بازنگری در رویه‌ها و فرآیندهای دادرسی اطفال و نوجوانان است. ارتقاء صلاحیت دادگاه‌ها و آموزش قضات و کارکنان قضائی در زمینه روان‌شناسی رشد، می‌تواند به طور مؤثری در پیشگیری از تکرار جرم و ادغام مجدد اطفال و نوجوانان در جامعه کمک کند. علاوه بر این، توسعه نهادهای حمایتی و جایگزین‌های مجازات، مانند برنامه‌های آموزشی و درمانی، باید در اولویت سیاست‌های قضائی قرار گیرد.

دادگاه صلح، با سادگی در فرآیند رسیدگی و پرهیز از تشریفات پیچیده، می‌تواند به ویژه در رسیدگی به جرایم سبک اطفال و نوجوانان کارآمد باشد. این دادگاه‌ها با تمرکز بر اصلاح و ترمیم آسیب‌های ناشی از جرم، می‌توانند نقشی پیشگیرانه در جلوگیری از ورود اطفال و نوجوانان به دنیای مجازات‌های سنگین ایفا کنند. به همین دلیل، توجه به مزایای عدالت ترمیمی و مداخلات غیر کیفری در سیستم قضائی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

با وجود مزایای دادگاه صلح، برخی چالش‌ها همچنان بر سر راه استفاده از این دادگاه‌ها در دادرسی اطفال و نوجوانان وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود ساختار قانونی شفاف برای صلاحیت‌دادن رسمی به دادگاه صلح در این حوزه و نبود همکاری مستمر بین رشته‌ای میان دادگاه‌ها و متخصصان اجتماعی اشاره کرد. این مسائل باید در فرآیند اصلاحات قانونی و ساختاری مدنظر قرار گیرند تا بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان میسر شود.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار در راستای بازنگری در مقررات دادرسی اطفال و نوجوانان، نقش دادگاه صلح را تقویت کرده و آن را به صورت رسمی وارد فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان نماید. همچنین، ایجاد سازوکارهایی برای همکاری مستمر میان دادگاه صلح و متخصصانی چون روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی می‌تواند تصمیم‌گیری قضائی را به سمت راهکارهای مؤثرتر و انسانی‌تر هدایت کند. این اصلاحات، همراه با ترویج آموزش‌های تخصصی برای قضات و کارکنان قضائی، می‌تواند به تحقق عدالت ترمیمی و پیشگیری از بزهکاری در میان اطفال و نوجوانان کمک کند.

منابع و مآخذ

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان قضایی، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). سند تحول قضایی. تهران: مرکز رسانه قوه قضائیه.

قانون شوراهای حل اختلاف. (۱۴۰۲). تهران: پایگاه پژوهشکده شورای نگهبان.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. (۱۳۹۹). تهران: انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.

قانون آیین دادرسی کیفری. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی) تهران: انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

اداره کل حقوقی قوه قضائیه. (سال‌های مختلف). مجموعه نظریات مشورتی اداره کل حقوقی، تهران: نشر معاونت حقوقی قوه قضائیه.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره نظریه ۷/۱۴۰۳/۱۲۷ و شماره پرونده ۱۴۰۳-۱۶۸-۱۲۷ و تاریخ نظریه ۱۴۰۳/۳/۲۲ در باب صلاحیت دادگاه صلح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

کنوانسیون حقوق کودک (CRC) مصوب ۱۹۸۹ (تصویب شده توسط جمهوری اسلامی ایران با حق تحفظ)

أنوربها، رضا. (۱۳۹۹). حقوق جزای عمومی، جلد اول و دوم. تهران: نشر گنج دانش.

شمس، عبدالله. (۱۴۰۰). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته. تهران: انتشارات دراک.

قاسم‌زاده، محمد. (۱۳۹۸). حقوق کودک در نظام کیفری ایران. مجله پژوهش حقوق، دانشگاه تهران، شماره ۳۵.

طوسی، شیخ طوسی. (۱۴۱۵ هجری قمری). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. قم: موسسه نشر اسلامی.

مجلسی، علامه. (بی‌تا). بحارالأنوار. جلد ۷۴ (در بخش اخلاق و رفتار اسلامی)، صفحه ۳۹۸. بیروت: مؤسسه الوفاء.

حر عاملی، شیخ. (بی‌تا). وسائل الشیعه. جلد ۲۱ (در بخش حقوق و تربیت کودکان)، صفحه ۳۴۵. حدیث شماره ۲۷۸۹۶.

References

Qur'an. [in Arabic]

Constitution of the Islamic Republic of Iran. [in Persian]

Statements of the Supreme Leader in meetings with judicial officials, cited from the Official Website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. [in Persian]

Judiciary of the Islamic Republic of Iran. (2020). Judicial Transformation Document. Tehran: Judiciary Media Center. [in Persian]

Law on Dispute Resolution Councils (2023). Tehran: Research Center of the Guardian Council. [in Persian]

Law on the Protection of Children and Adolescents (2020). Tehran: Judicial Research Institute Publications. [in Persian]

Criminal Procedure Code (2013). Tehran: Official Gazette of the Islamic Republic of Iran. [in Persian]

Islamic Penal Code (2013). Tehran: Official Gazette of the Islamic Republic of Iran. [in Persian]

Law on the Establishment of Public and Revolutionary Courts (1994, with subsequent amendments). Tehran: Official Gazette of the Islamic Republic of Iran. [in Persian]

Judicial Legal Department. (Various Years). Collection of Advisory Opinions of the Legal Department, Tehran: Legal Affairs Deputy. [in Persian]

Advisory Opinion No. 127/1403/7, File No. 1403-168-127, dated 22/3/1403, regarding the jurisdiction of the Peace Court in adjudicating crimes committed by children and adolescents. [in Persian]

Convention on the Rights of the Child (CRC) (1989), ratified by the Islamic Republic of Iran with reservations. [in English]

Noorbaha, Reza. (2020). General Criminal Law, Vols. 1 & 2. Tehran: Ganj-e Danesh. [in Persian]

Shams, Abdollah. (2021). Advanced Civil Procedure. Tehran: Daraq Publications. [in Persian]

Ghasemzadeh, Mohammad. (2019). "Children's Rights in the Iranian Criminal Justice System." Journal of Legal Studies, University of Tehran, No. 35. [in Persian]

Al-Tusi, Sheikh Tusi. (1415 A.H.). Al-Nihāyah fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā. Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]

Majlisi, Allamah. (n.d.). Bihār al-Anwār, Vol. 74 (Ethics and Islamic Conduct), p. 398. Beirut: Al-Wafā' Institute. [in Arabic]

Hurr al-Āmili, Sheikh. (n.d.). Wasā'il al-Shī'ah, Vol. 21 (Children's Rights and Upbringing), p. 345, Hadith No. 27896. [in Arabic]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
شماره ۵